

## بررسی نامه‌ی شماره‌ی ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی بر اساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌گرایی هلیدی

سروناز جاویدان<sup>۱</sup>

محمدعلی گذشتی<sup>۲</sup>

علی اصغر حلبی<sup>۳</sup>

### چکیده

«تحلیل انتقادی گفت‌مان» به مطالعه‌ی ایدئولوژی حاکم بر متن و روابط قدرت میان مشارکان آن می‌پردازد. از دیدگاه پژوهش حاضر به نظر می‌رسد منشآت قائم مقام فراهانی به دلیل ابعاد سیاسی، تاریخی، اجتماعی و ادبی آن، در بستر این رویکرد قابل مطالعه است. این پژوهش با تکیه بر نظریه‌ی نقش‌گرایی هلیدی و با نگاه به بافت موقعیتی این اثر با توجه به عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی، آگاهی لازم نسبت به تعامل موجود در متن و نیز تأثیر و تأثر عاملان گفت‌مان، شکل گرفته است. نظریه پردازان حوزه‌ی تحلیل انتقادی گفت‌مان از جمله نورمن فرکلاف، تئون ای وندایک و راجر فاولر از نظریه‌ی نقش‌گرایی هلیدی به عنوان ابزاری برای تحلیل متن بهره گرفته‌اند. این نظریه ابزاری را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد که به ایدئولوژی حاکم بر متن و شیوه‌هایی که سخنور برای انتقال اندیشه‌ی خود برمی‌گزیند، دست یابد و به یاری فرآیندهای اندیشگانی، بیناپردی و متنی در سطح زبان اتفاق می‌افتد. نامه‌ی ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی نامه‌ای سیاسی است که از جانب فتحعلی شاه قاجار خطاب به تزار روس نگاشته شده است. با توجه به اوضاع فرهنگی و سیاسی عهد قاجار و طبقه‌بندی‌های اجتماعی نسبت به جایگاه نویسنده و گیرنده، این نامه از مقام فروتر به مقام برتر تنظیم شده و از میان نقش‌های ارتباطی زبان، نقش ترغیبی زبان در ساختار متنی آن غلبه دارد. با توجه به جهان‌بینی حاکم بر نامه، دیدگاه دینی نمود برجسته‌تری و مشارک اصلی گفت‌مان در این نامه پادشاه است که شیوه‌ی نامدهی، نشان از غلبه‌ی قدرت و ایدئولوژی وی در این اثر دارد.

**کلید واژه‌ها:** منشآت، قائم مقام فراهانی، تحلیل انتقادی گفت‌مان، کارکرد تجربی زبان.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Srvjavidan@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول).

magozashti@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Ali.Halabi@iauctb.ac.ir

## ۱. مقدمه

قائم مقام فراهانی هم‌زمان با فوت کریم‌خان زند و جلوس آغامحمدخان قاجار ولادت یافت. ۱۸ سال نخست زندگی خود یعنی از سال ۱۱۹۳ تا ۱۲۱۱ هـ.ق را در زمان حکومت آغامحمدخان قاجار بسر برد؛ حدود ۳۸ سال یعنی از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ هـ.ق در زمان فتحعلی شاه زیست و ۶ ماه نیز از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ در خدمت محمدشاه زندگی کرد و در سال ۱۲۵۱ به قتل رسید. او دوران ۵۷ ساله عمر خود را با سلطنت سه پادشاه نخست قاجار سپری کرد. مهم‌ترین حادثه این دوران وقوع جنگ‌های بزرگ بود.

«منشآت قائم‌مقام فراهانی که به نثر نسبتاً مصنوع لطیفی نوشته شده مشتمل بر نامه‌های رسمی از دوره عباس میرزا و پسرش محمدشاه و نامه‌های اخوانی قائم‌مقام است» (رستگار فسایی، ۱۳۹۵: ۴۵۷).

«قائم‌مقام فراهانی با تکیه بر ذوق و فضل خود مسائل عصر خود را با زبان و اصطلاحات رایج در دوره خود در بافتی ادبی به سبک گلستان سعدی ارائه کرد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۸۲).

در این پژوهش تحلیل گفتمان انتقادی متن نامه شماره ۲۱ منشآت در نظر گرفته شده تا با بهره‌گیری از نظریه‌ای منسجم و کارآمد این اثر ادبی به نقد درآید. هنگامی که یک متن ادبی به منزله‌ی «گفتمان» یعنی دارای کلیتی یکپارچه متشکل از متن و زمینه موردبررسی قرار می‌گیرد، یکی از شیوه‌ها برای تحلیل زبان‌شناسانه، آن است که زمینه‌های فکری، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که منجر به شکل‌گیری این متن شده است به‌عنوان بخش‌های بنیادین نقد آن متن در نظر گرفته شود و چون میان ساختارهای زبانی متن مانند ساختار واژگانی و دستوری و بخش‌های بنیادین نقد شامل زمینه‌های فکری و تاریخی و اجتماعی رابطه‌ای پویا وجود دارد، شیوه‌ای از تحلیل انتقادی که متن را نوعی «گفتمان» ببیند و علاوه بر ساختارهای زبانی، زمینه‌های اندیشگانی، تاریخی و اجتماعی آن متن را نیز بشناسد قادر به چنین تحلیلی خواهد بود.

نظریه‌ی نقش‌گرای نظام‌مند، یکی از رویکردهای کارآمد زبان‌شناختی است که برای توصیف و تحلیل متن به کار می‌رود. در این رویکرد برای تحلیل متن سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد با بررسی ساختار جمله، انواع متفاوت فرایندها و کارکرد آن در پیکره‌گفتمانی و معنایی جمله را تبیین می‌کند و بر این مبنا فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش را از حوادث و پدیده‌های جهان بیرون و درون به مخاطب عرضه می‌کند. در این رویکرد برخلاف دیدگاه چامسکی و سایر زبان‌شناسان، زبان پدیده‌ای

## بررسی نامری شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نش‌کرایبی هلیدی ۲۱۳۱۱۱

ذهنی نیست که در ذهن یک فرد وجود داشته باشد؛ بلکه پدیده‌ای اجتماعی و در معرض تغییر و تبدیل است. در دستور نقشگرا، نظام واژگان دستور به صورت مراتب سازمان‌بندی شده‌اند و تقسیم‌بندی زنجیره کلام در سطوح و مراتب گوناگونی صورت می‌گیرد: جمله، بند، گروه، واژه و تکواژه. رابطه میان این واحدها به گونه‌ای است که هر واحدی از یک یا چند واحد مرتبه پایین‌تر از خود ساخته شده است. در پایین‌ترین مرتبه تکواژ و در بالاترین مرتبه این نظام، جمله قرار دارد. معیار تحلیل در این نظریه «بند» است و نحوه چینش عناصر زبانی در بند بررسی می‌شود:

جدول ۱: ابعاد یا صورت‌های نظم در زبان و اصول نظم‌دهنده آن‌ها  
در رویکرد نقشگرای هلیدی

بُعد	اصل	نظم‌ها
۱ ساختار (نظم همنشینی)	مرتبه	بند / گروه یا عبارت / واژه / تکواژ
۲ نظام (نظم جانشینی)	ظرافت	دستور / واژگان {واژگان دستور}
۳ لایه‌بندی	بازنمایی	معناشناسی / واژگان دستور / واج‌شناسی / آواشناسی
۴ موردپردازی	موردپردازی	پتانسیل / زیرپتانسیل یا نوع نمونه / نمونه
۵ فرانش	فرانش	اندیشگانی {منطقی / تجربی}، بینافردی / متنی

رک: (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۰)

## ۲. بیان مسئله پژوهش

اسناد تاریخی شامل فرمان‌های سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات، نوشته‌های اداری، اسناد قضایی، مالی و حقوقی، گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی و برخی از مکاتبات خصوصی، دوستانه و خانوادگی، از مهم‌ترین منابع پژوهش‌های تاریخی‌اند از این رو این نامه‌ها از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی، ارزش و اهمیت بسزایی دارند و پرداختن به آن‌ها در حیطه پژوهش‌های ادبی ضروری می‌نماید. از آنجاکه «نامه‌ها» منابع، شواهد و اسناد مهم تاریخی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و ادبی‌اند و قائم‌مقام فراهانی، از شخصیت‌های برجسته اجتماعی، سیاسی و ادبی دوران حکومت قاجار به شمار می‌رود، تحلیل انتقادی منشآت می‌تواند زمینه انجام پژوهش‌های آتی درباره این اثر ارزشمند را فراهم کند. نامه‌های

بزرگان علم و ادب ایران از ذخایر گران قدر ادبی به شمار می‌روند که بیش از آثار دیگر می‌تواند اوضاع ادبی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمان را منعکس نماید. اثر گران سنگ «منشآت» مجموعه‌ای از نامه‌هایی است که نویسندگان آن به واسطه‌ی شغل دیوانی خود انشا کرده‌اند. وقایع دوره‌ای از تاریخ ایران در متن منشآت نهفته شده و نویسنده، ایدئولوژی خود و ارزش‌ها و اعتقادات جامعه را با سبکی خاص و هنرمندانه در زبان رمزگذاری کرده است و با بررسی و تحلیل زبان متن می‌توان رمزهای آن را کشف و درک کرد و آن را در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان بررسی نمود و از آنجا که ساخت‌های زبانی بر مبنای منظوره‌ای ارتباطی گوینده انتخاب می‌شوند می‌توان رابطه‌ی قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در این اثر آشکار ساخت تا از این طریق به ماندگاری و جاودانگی این اثر افزود.

یکی از مباحث پر کاربرد در زبان‌شناسی نقش‌گرا این است که زبان، نظامی اختیاری و قراردادی نیست؛ بلکه طبیعی و پرورده‌ی جامعه و انسان است. در کارکرد تجربی که زیرمجموعه‌ی فرانقش‌اندیشگانی است، این موضوع مطرح است که تجربیات دنیای درون و بیرون کاربر زبان، از طریق زبان او بیان می‌گردد. محصول این کارکرد در جمله، «گذرایی» است که برای مشخص نمودن انواع متفاوت فرایندها در جمله - که در فعل نمود می‌یابد - به کار می‌رود و از این طریق یک فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش را از حوادث، وقایع و پدیده‌های جهان بیرون و درونش به مخاطب عرضه می‌کند. (نک: ایشانی و نظیف، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۲)

هلیدی در نظریه‌ی زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، بر خلاف دیدگاه‌های موجود در زبان‌شناسی زایشی، توجه به وجه اجتماعی زبان و همچنین کارکرد آن در جامعه را اساس کار خود قرار داد و واکاوی و تحلیل «زندگی اجتماعی زبان» را هدف خود اعلام کرد (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۱۶). بر این اساس، زبان‌شناسی در قالب شاخه‌ای از جامعه‌شناسی در پی بررسی کنش‌های اجتماعی‌ای است که به وسیله‌ی زبان معنا را منتقل می‌کنند (همان: ۱۷). در نظریه‌ی هلیدی می‌توان ارتباطات انسانی را بر اساس موقعیت‌های گوناگون زندگی اجتماعی بررسی و تبیین کرد (همان).

این پژوهش با نگاه به بافت موقعیتی نامه شماره ۲۱، آگاهی لازم نسبت به تعامل موجود در این متن و نیز تأثیر و تأثر عاملان گفتمان، شکل گرفته است. متن مورد بحث از جمله نامه‌های

بررسی نامری شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌کرایی هلمدی ۲۱۵۱۱۱

سیاسی است که از جانب فتحعلی شاه قاجار خطاب به سردمداران روس نگاشته شده است. نویسنده در قالب این نامه کوتاه برای تأثیر بر مخاطب و اقناع وی از سازوکارهای زبانی مختلفی استفاده کرده است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند به این پرسش‌ها پاسخ دهد که:

- قایم مقام فراهانی در بافت متنی نامه مورد بحث از کدام سازوکارهای زبانی برای اقناع و ترغیب مخاطب خود بهره گرفته و مؤلفه‌هایی مانند زبان، ایدئولوژی و قدرت چگونه در ساختار متنی این نامه نمود یافته‌اند؟

جامعه آماری این پژوهش یک نامه سیاسی یا اصطلاحاً «سلطانیات» قایم مقام فراهانی است. روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر «نظام‌گذاری» در فرانش اندیشگانی است. در مرحله تحلیل متن مراحل زیر انجام می‌شود:

- مطالعه اجمالی زندگی نامه قایم مقام فراهانی و زمینه‌ها و انگیزه‌های نگارش این نامه؛

- شناخت بافت موقعیتی نامه (شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...)

- خوانش متن نامه و شناخت نظام گفتمانی حاکم بر آن؛

- شناخت ایدئولوژی مسلط بر ساختار متنی نامه؛

- تشخیص و طبقه‌بندی بندهای ایدئولوژیک نامه؛

- تعیین بسامدی فرایندهای زبانی در بندهای ایدئولوژیک؛

- تبیین ارتباط بافت متنی و بافت موقعیتی متن از منظر فرانش اندیشگانی؛

- تعیین سبک شخصی نویسنده بر مبنای انتخاب‌گری در سطح افعال.

### ۳. پیشینه پژوهش

نوآوری این پژوهش مطالعه متن نامه شماره ۲۱ در منشآت قائم مقام فراهانی بر مبنای کارکرد تجربی زبان است که تاکنون پژوهشی مشابه آن انجام نشده است. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که از لحاظ روش به پژوهش حاضر شباهت دارند، اشاره می‌شود؛ جهانی و حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فرانش اندیشگانی شعر «خوان هشتم» از مهدی اخوان ثالث... نشان دادند که اخوان در این شعر از فرایندهای ذهنی و پس از آن فرایندهای رابطه‌ای و کلامی بیش‌ترین استفاده را کرده است. شکل روایی داستان، حضور یک نقال در روایت و پس از آن حضور شاعر به‌عنوان نقال یا راوی دوم، غلبه ساختار وصفی قصه و

هم‌چنین پیوند با داستان هفت‌خوان رستم را می‌توان از مهم‌ترین دلایل کاربست این نوع فرایندها در این شعر دانست. دلبری و صادقی‌نیا (۱۳۹۶) در پژوهش خود افعال موجود در ۶ داستان کوتاه زویا پیرزاد را به ترتیب در قالب شش فرایند طبقه‌بندی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرایند مادی و سپس فرایند رفتاری مشخصه سبک‌شناختی داستان‌های پیرزاد است. منشی‌زاده و الهیان (۱۳۹۴) با کوشش در شناخت مؤلفه‌های بنیادین گلستان سعدی و تبیین ویژگی‌های اصلی آن‌ها در ساخت و انتخاب انواع فرایندها به این نتیجه رسیدند از آنجا که موضوع گلستان مربوط به انسان و روابط انسان‌ها با هم است؛ فرایند رفتاری بارزترین فرایند در بوطیقای فکری سعدی است. امیرخانلو (۱۳۹۴) پس از توصیف افعال غزلیات حافظ، به این نتیجه رسیده که کاربرد انواع فرایندها در غزلیات حافظ، دارای دلایل خاصی است و نوع کاربرد آن‌ها باید به‌عنوان شاخصی سبکی لحاظ شود. در باب ویژگی‌های منشآت قائم‌مقام فراهانی نیز آثاری چند نوشته شده از جمله قلی‌زاده (۱۳۷۲)، که به «نقد و بررسی منشآت قائم‌مقام فراهانی از دیدگاه تاریخ‌تطور نثر فارسی» پرداخته است. انزابی‌نژاد و مهدی‌زاده (۱۳۸۸) نیز پژوهشی با عنوان «منشآت‌نویسی در ادب فارسی» تدوین نموده‌اند. مهدوی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «کاربرد زبان عامیانه به‌عنوان یکی از خصایص سبکی منشآت قائم‌مقام فراهانی»، به ویژگی‌های سبکی این اثر توجه داشته‌اند. عسگرانی (۱۳۹۷) نیز پژوهشی با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های تاریخی آثار میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی» به چاپ رسانده است. علامی و کیانیان (۱۳۹۸) نیز به «مقایسه‌ی ویژگی‌های سبکی منشآت قائم‌مقام و گلستان سعدی» پرداخته‌اند.

#### ۴. مبانی نظری پژوهش

گفتمان در زبان‌شناسی به دو معناست: نخست واحدی از نظام زبان که بزرگ‌تر از جمله است مثل بند، مصاحبه و مکالمه و متن. مطابق این دیدگاه، «تحلیل گفتمان بدین معناست که چگونه جمله‌ها در زبان گفتاری و نوشتاری واحدهای معنادار بزرگ‌تری چون مکالمه‌ها و مصاحبه‌ها را شکل می‌دهند» (پنی کوک، ۱۳۷۸: ۱۲۱)؛ دوم به معنای زبان در چارچوب بافت آن. در این دیدگاه گرچه گفتمان به یک معنا، شیوه خاصی از سخن گفتن راجع به امور گوناگون است، این سخن گفتن در خلأ اتفاق نمی‌افتد بلکه در زمینه و بافتی اجتماعی در میان مردم و در زمان

بررسی نامری شماره ۲۱، مقالات قائم مقام فراوانی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌گرایی هلیدی ۲۱۷\|

و مکانی مشخص و تحت تأثیر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، احساسات و ایدئولوژی‌ها رخ می‌دهد. بنابراین، گفتمان یعنی «گفت‌وگو و متن در چارچوب زمینه یا بافت» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۰).

«گفت‌وگو یا همپرسه، شرط مقدماتی هر گفتمان به شمار می‌رود، هر نوع گفتار، کلام و نوشتار جریانی اجتماعی محسوب می‌شود و دارای سرشت و ساختار اجتماعی است، گفتمان‌ها حسب مکان و زمان تفاوت می‌کنند» (مک‌دانل و دیگری، ۱۳۷۷: ۲۹).

#### ۴-۱. زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی

هلیدی ویژگی بارز رویکرد نقش‌گرایی را «مطالعه زبان از منظر نشانه‌شناسی» اجتماعی می‌داند. از دیدگاه وی اصطلاح «نشانه‌شناسی اجتماعی» مبین ایدئولوژی همگانی یا نظرگاهی عقلانی؛ یعنی دیدگاهی مفهومی در این زمینه به شمار می‌رود؛ اما همزمان معانی ضمنی هم از این دو واژه استنباط می‌شود: نشانه‌شناسی و اجتماعی. (نک: هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۶). هلیدی با هدف تبیین دیدگاه خود به مقایسه آراء سایر زبان‌شناسان، با آراء خود پرداخته است. از نظر وی مسیرهای زیادی وجود دارد که از رهگذر آن می‌توانیم فرای زبان گام برداریم تا از این طریق معنای زبان را روشن کنیم. در جدول زیر به نقاط اشتراک دیدگاه‌های زبان‌شناسان مختلف در مورد نقش‌های زبان اشاره شده است:

#### شباهت‌های دیدگاه‌های مختلف در باب نقش‌های زبان

	جادویی	کاربردشناختی	
		کنشی	روایی
مالینوفسکی (۱۹۲۳)			
بولر (۱۹۳۴)		بیانی {اول شخص}	ترغیبی {دوم شخص}
برایتون (۱۹۷۰)	شاعرانه	بیانی	داد و ستدی
			اطلاعی
موریس (۱۹۶۷)	مالینوفسکی (۱۹۲۳)	سخن «حسی»	سخن «تداومی»

(هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۷۴)

بررسی ادبیات در پرتو نظریه‌های زبان‌شناسی، شیوه‌ای را در برخورد با متون پدید می‌آورد که از سطح معنای ظاهری فراتر رفته و به معنای ضمنی آن نیز می‌پردازد. مقصود از رویکرد

زبان‌شناسانه به متن، تقلیل زبان و مباحث زبانی به صرف و نحو و پاره‌ای مقوله‌های دستور زبانی نیست، بلکه جنبه‌ی تحلیلی و کاربردی زبان است که در تفسیر متن و توصیف ارتباط میان زبان و تفکر، زبان و سبک و زبان و ذهن نقش مؤثری دارد. بخشی وسیعی از جنبه‌ی تحلیلی و کاربردی زبان و نقش تفسیری آن در نظریه‌های زبان‌شناسی تحقق یافته است. نظریه‌ی زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی نیز زبان و ساختار آن را در راستای معنای متن می‌کاود و می‌کوشد نشان دهد که چگونه بافت و معنا، زبان خاص یک متن را سامان می‌دهند. این نظریه رابطه‌ی میان زبان، معنا، اجتماع و فرهنگ را در سه ساحت فرانشی اندیشگانی، فرانشی بینافردی و فرانشی متنی آشکار می‌سازد. بررسی و تحلیل متن ادبی از منظر هریک از ساحت‌های این نظریه‌ی نقش‌گرا، به تفسیری عینی و علمی از متن می‌انجامد. این نظریه به دلیل توجه به وجوه واژ-دستوری، ساختار زبان، معنا و بافت متن، رابطه‌ی متقابل زبان و اجتماع و پیوستگی زبان و معنا به یکدیگر، در تحلیل متون ادبی کارآمد است.

نقش مفهومی کلیدی در این دیدگاه است. برخلاف پیشینیان که نقش‌های زبان را اموری ثابت می‌دانستند، هلیدی نقش‌های زبان را تابع موقعیت و بافت فرهنگی - اجتماعی می‌داند. از نظر هلیدی مهم‌ترین نقش زبان، ایجاد ارتباط است؛ زبان مطابق با موقعیت و جایگاهش در جامعه نقش‌های گوناگون می‌پذیرد.

از دیدگاه نظریه‌ی زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، زبان «ابزاری برای انتقال معنا و برقراری ارتباط میان افراد جامعه» است. به عبارتی زبان «نهادی اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی است» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۱۶). این نظریه واقعیت زبان را در ارتباطات انسان‌های واقعی بر اساس موقعیت‌های مختلف زندگی اجتماعی بررسی می‌کند. نقش‌گرایی در این نظریه به معنای تبیین چگونگی کاربرد زبان در بافت است و بدین ترتیب «هر عنصری را در زبان می‌توان با ارجاع به چگونگی کاربرد زبان تبیین کرد» (همان: ۱۷-۱۸). هلیدی به بیان پیوند میان نظام زبان با کارکردهای آن می‌پردازد و زبان و موقعیت را مانند نظام‌های نشانه‌ای مطرح می‌کند. وی براساس کارکردهای سه‌گانه‌ی زبان بافت را دارای سه بخش می‌داند. او در باب بافت موقعیتی می‌گوید که این بافت همچون ساختاری نشانه‌ای است و «کنش اجتماعی، ساختار نقشی مشارکان در کنش، و سازمان نمادین سخن را» شامل می‌شود. از دید هلیدی، هر



بررسی نام‌ی شماره‌ی ۲۱ نشست قائم مقام فرآیندی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌گرایی هلیدی ۲۱۹۱۱۱

سازه متناظر با یکی از فرانش‌های سه‌گانه زبان است که عبارت‌اند از: گستره سخن، پردازنده سخن و شیوه سخن (همان: ۲۸-۲۹). گستره سخن شامل یک کنش معنادار اجتماعی است و «تمامی عناصر صحنه وقوع آنرا دربر می‌گیرد و اگر این کنش کنشی زبان محور باشد، موضوع را نیز شامل می‌شود» (هلیدی، ۱۹۷۸: ۱۴۳-۱۴۴ به نقل از مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۳۰). پردازنده سخن نیز «خوشه‌ای از روابط اجتماعاً معنادار مشارکان کنش است که هم ویژگی‌های پایدار مشارکان و گرایش‌های فردی آنان را در بر می‌گیرد و هم نقش‌های موقعیتی آنان را که این خود شامل نقش‌های کلامی نیز می‌شود» (همانجا). شیوه سخن بر چگونگی شکل‌گیری و سازمان‌بندی کلام در یک کنش متقابل اجتماعی ناظر است (همان: ۳۱). در نظریه هلیدی «پدیده‌های زبانی با ارجاع به کارکردهای زبان در جامعه و نظام اجتماعی تبیین و توصیف می‌شوند». توصیف معناهای زبان، توصیف کارکردهای زبان در بافت فرهنگی جامعه و بافت موقعیتی ارتباط است (همان: ۳۵). هلیدی کارکردهای زبان را در سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند: فراکارکرد (فرانش) اندیشگانی، فراکارکرد بینافردی و فراکارکرد متنی. باید توجه داشت که گستره سخن (گفتمان) با فرانش اندیشگانی، پردازنده سخن با فرانش بینافردی و همچنین شیوه سخن با فرانش متنی زبان در تناظر هستند. فرانش اندیشگانی «متضمن بازنمایی واقعیت است و محتوای کلام را بیان می‌کند». این فرانش خود شامل دو جزء فرانش تجربی و فرانش منطقی است. فرانش بینافردی مرتبط با روابط مشارکان کنش زبانی و نقش آنها در ارتباط است (همان: ۳۶). فرانش متنی «بیانگر موضوعیت کلام، هم در بافت زبانی پس و پیش خود و هم در بافت موقعیتی است». در این فرانش، خواننده قادر به بازشناسایی متن از مجموعه جمله‌های تصادفی و نامربوط است (همان: ۳۷).

#### ۳-۴. فرانش اندیشگانی و بیان تجربیات از جهان بیرون و جهان درون ذهن

وقتی از زبان برای بیان تجربیات انسان از جهان بیرون و جهان درون ذهن، و نیز توصیف پدیده‌ها و امور جاری در آنها استفاده می‌شود با فرانش تجربی سروکار داریم. فرانش تجربی به «محتوای گزاره‌ای» بند مربوط می‌شود، نه به ساخت نحوی جمله، یا وجه دستوری آن. محتوای گزاره‌ای نیز همان کنش یا وضعیتی است که با فعل اصلی بیان می‌شود. این محتوا در نظر هلیدی، شامل سه مؤلفه است: «فرایندهایی» که «مشارکان» در «شرایط» معینی در آن

شرکت دارند. از منظر تجربی، فرایندها هسته بند هستند؛ زیرا بند درباره رویداد یا وضعیتی است که مشارکان درگیر آن هستند. فرایندها به وسیله گروه فعلی بیان می‌شوند؛ البته، در فرانش تجربی فقط فعل‌های اصلی اهمیت دارند و فعل‌های کمکی و وجهی به فرانش بینافردی مربوط می‌شوند. از طرفی، هر بند دست‌کم شامل یک مشارک نیز هست که به صورت گروه اسمی نمایان می‌شود؛ این مشارک اجباری همان فاعل در دستور سنتی است. علاوه بر آن، دو مشارک دیگر نیز می‌توانند در بند حضور داشته باشند. یکی از مفاهیم مطرح در این فرانش، «گذرایی» است. در دستور هلیدی «نظام گذرایی» یکی از مؤلفه‌های اصلی است که نقش اندیشگانی در آن نمود می‌یابد. گذرایی در این جا مفهومی «معنی‌شناختی» است نه نحوی. این مفهوم، به جای تمرکز بر گروه فعلی (فعل و مفعول)، کل بند را توصیف می‌کند؛ اما از این واقعیت نیز غافل نمی‌ماند که چگونگی «برچسب‌دهی» به مشارکان - اعم از فاعل و مفعول - را نوع فرایند است که تعیین می‌کند. در واقع، هر نوع فرایندی نقش‌های معنایی مشخصی را به مشارکان خود اختصاص می‌دهد. آن چه مفهوم گذرایی را در فرانش تجربی شکل می‌دهد، این است که در هر بندی چه نوع فرایندی وجود دارد و این فرایند به چند مشارک و در چه نقش‌هایی نیاز دارد. آیا در این بند «افزوده حاشیه‌ای» وجود دارد یا نه؟ در واقع با پاسخ دادن به این سه سؤال است که گذرایی یک بند تعیین می‌شود (نک: ایشانی و برزگری، ۱۳۹۸: ۳۲۹ - ۳۳۰)

نقش‌های مختلف زبان از دیدگاه هلیدی در سه فرانش خلاصه می‌شود که به‌طور همزمان در کاربرد زبان نمود پیدا می‌کند: در فرانش اندیشگانی گوینده یا نویسنده تجربه خود را از پدیده‌های جهان تجسم می‌بخشد و از این طریق نگاهی را که به دنیا و نظام مقوله‌بندی آن دارد از طریق واژگان و نامگذاری و طبقه‌بندی پدیده‌های جهان به خود و دیگران نشان می‌دهد. در فرانش بینافردی مشارکت شخصی گوینده در عمل ارتباط مطرح است و فرانش متنی نیز به پیام‌های زبانی نظم می‌دهد تا با پیام‌های دیگر و بافت گسترده خود هماهنگ شود.

هر فردی برای بیان تجربیات خود از واژگان، عبارات و اصطلاحات منحصر به فرد استفاده می‌کند. انتخاب این واحدهای زبانی بسته به موقعیت اجتماعی و فرهنگی فرد، متفاوت است و این تفاوت در زبان نمودار می‌شود. هر تجربه‌ای قابلیت معنامند شدن از طریق زبان را داراست؛

بررسی نامری شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌گرایی هلمدی ۲۲۱۱۱۱

در واقع زبان بستری است برای نظریه‌پردازی درباره‌ی تجربیات انسان و هم‌چنین منبعی است از واژگان - دستور برای ایفای این نقش. این فرانش را فرانش اندیشگانی می‌نامیم و آن را به دو گروه تجربی و منطقی تقسیم می‌کنیم. سازه‌ی تجربی، محتوای کلام را به واسطه‌ی نظام تعدی و سازه‌ی منطقی هنگام بیان معناها پیچیده‌تر در بندهای مرکب، رابطه‌ی میان دو بند مجاور را بیان می‌کند؛ در نتیجه این دو سازه مکمل یک‌دیگرند. سه عنصر در فرانش اندیشگانی مورد بررسی قرار می‌گیرند: فرآیند، مشارکان فرایند و عناصر حاشیه‌ای فرآیند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۵)

#### ۴-۴. مطالعه‌ی اجمالی بافت موقعیتی و بافت متنی منشآت قائم مقام فراهانی

قائم مقام فراهانی همزمان با فوت کریمخان زند و جلوس آغامحمدخان قاجار ولادت یافت. ۱۸ سال نخست زندگی خود یعنی از سال ۱۱۹۳ تا ۱۲۱۱ هـ.ق را در زمان حکومت آغامحمدخان قاجار به سر برد؛ حدود ۳۸ سال یعنی از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ هـ.ق در زمان فتحعلی شاه زیست و ۶ ماه نیز از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ در خدمت محمد شاه زندگی کرد و در سال ۱۲۵۱ به قتل رسید. او دوران ۵۷ ساله عمر خود را با سلطنت سه پادشاه نخست قاجار سپری کرد. مهم‌ترین حادثه‌ی این دوران وقوع جنگ‌های بزرگ زیر بود:

۱. جنگ‌های میان روس و ایران طی دو دوره صورت گرفت: از اواسط سال ۱۲۱۸ تا اواخر ۱۲۲۸ هـ.ق که منجر به تحمیل عهدنامه‌ی گلستان (۱۲۲۸) به ایران شد. از اواخر سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ هـ.ق که حاصل آن انعقاد عهدنامه‌ی ترکمانچای (۱۲۴۳) بود.

۲. جنگ میان ایران و عثمانی در سال ۱۲۳۵ به دلیل مسائل و اختلافات سیاسی که از زمان صفویان آغاز شده بود و سرانجام در سال ۱۲۳۸ منجر به انعقاد عهدنامه «ارزنه الروم» شد.

منشآت قائم مقام فراهانی صرف‌نظر از آنکه در زمره‌ی متون و اسناد تاریخی است (براون، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۷۵) بی‌گمان یکی از شاهکارهای نثر فارسی است و با اینکه قائم مقام بیش از همه مرد سیاست و عمل است؛ اما نوشته‌های او بهره‌های فراوانی به‌طور توأمان از هنر و فضل دارد. منشآت قائم مقام را می‌توان یکی از نقاط عطف تاریخ نثر فارسی به‌شمار آورد.

«میرزا ابوالقاسم در امور صلح و معاهدات با روس مساعی وافی مبذول داشت و موفق شد ضمن مصالحه و معاهده‌ی ترکمانچای، تزار روس را حامی خانواده عباس میرزا سازد و پس از او

سلطنت را برای محمد میرزا، فرزند عباس میرزا ذخیره کند و مساعی مشکور در پیشرفت کار این شاهزاده مبدول داشت ولی در عوض این خدمات یک سال بیشتر به صدارت باقی نماند و پس از آنکه ایران را منظم و گردنکشان را آرام و تخت و تاج را بی منازع نمود او را به تاریخ صفر ۱۲۵۱ هـ ق (۱۲۱۴ هـ ش) در باغ نگارستان که محل بیلاقی خانواده سلطنت و در یک میلی ارک تهران بود خفه ساختند و شبانه در جوار حضرت عبدالعظیم به گور سپردند و بر گنجی از ادب و فضل خاک افشاندند» (بهار، ۱۳۹۱: ۳۵۰-۳۴۷).

قایم مقام با احاطه ادبی و قدرت قلم خود بساط نثر مغلق و پیچیده بعد از مغول را که در دوره افشاریه و زندیه به نهایت ابتدال رسیده بود، برجید و نثر فارسی را در راه روانی و سادگی انداخت. منشآت قایم مقام آینه تمام‌نمای اوضاع اوایل سیاسی، اجتماعی و تاریخ ایران عهد قاجار است و از خلال آن‌ها می‌توان به وضع دربار فتحعلی شاه و مناسبات سیاسی درباریان پی برد. غالب نوشته‌ها شامل دستورها، فرمان‌ها و گزارش‌هایی است که از جانب فتحعلی شاه و عباس میرزا نایب‌السلطنه صادر شده و مربوط به وقایع روزمره دربار و دولت و امور جاری کشور بوده است. منشآت قایم مقام فراهانی به پیروی از ترسلات پیشین حاوی نامه‌های دیوانی و دولتی به شخصیت‌های سیاسی و پادشاهان و امپراتوران و نیز صاحب‌منصبان سیاسی و مملکتی است. این نامه‌ها که حاوی مسائل سیاسی و اجتماعی است در قالب «سلطانیات» قرار می‌گیرد.

#### ۴-۵. منشآت قایم مقام فراهانی و طبقه‌بندی آن‌ها با توجه به درون‌مایه و مخاطب

منشآت قایم مقام فراهانی صرف نظر از آنکه در زمره‌ی متون و اسناد تاریخی است. بی‌گمان یکی از شاهکارهای نثر فارسی است و با اینکه قایم مقام مرد سیاست و عمل است؛ نوشته‌های او بهره‌های فراوانی به‌طور توأمان از هنر و فضل دارد. منشآت قایم مقام را می‌توان یکی از نقاط عطف تاریخ نثر فارسی به‌شمار آورد که آینه‌ی تمام‌نمای اوضاع اوایل سیاسی، اجتماعی و تاریخ ایران عهد قاجار است و از خلال آن نامه‌ها می‌توان به وضع دربار فتحعلی شاه و مناسبات سیاسی درباریان پی برد. غالب نوشته‌ها شامل دستورها، فرمان‌ها و گزارش‌هایی است که از جانب فتحعلی شاه و عباس میرزا نایب‌السلطنه صادر شده و مربوط به وقایع روزمره دربار و دولت و امور جاری کشور بوده است. منشآت قایم مقام فراهانی به پیروی از ترسلات پیشین حاوی نامه‌های دیوانی و دولتی به شخصیت‌های سیاسی و پادشاهان و امپراتوران و نیز صاحب

بررسی نامری شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی براساس کارکرد تجربی زبان در روکرد نقش‌گرای علی‌دی ۲۲۳۱۱۱

منصبان سیاسی و مملکتی است. این نامه‌ها که حاوی مسائل سیاسی و اجتماعی است در قالب «سلطانیات» قرار می‌گیرد.

«نثر قائم مقام هرچند غالباً سرسری است باز مایه وافر از ذوق و حسن سلیقه در اوست... صراحت لهجه و ترک استعاره و کنایه‌های خسته‌کننده، اختصار و ایجاز مطلوب و مرغوب، طیبیت و ظرافت لفظ که از مختصات گلستان سعدی است به ویژه لغات و اصطلاحات تازه و عبارات آهنگین». (بهار، ۱۳۹۱: ۳۵۰-۳۴۷).

#### تقسیم‌بندی انواع نامه‌ها با در نظر گرفتن فرستنده/گیرنده

ردیف	گوینده / گیرنده	نمونه نامه
۱	از زبان قائم مقام به دیگری	به ولیعهد نامه ۱۸، به شاهزاده خانم نامه ۷۱، به آصف الدوله نامه ۷۷، به میرزا بزرگ نامه ۹، به فاضل خان گروسی، نامه ۱۲ و ۱۶، به وقایع‌نگار، نامه ۳۷ و ۳۸ و ۳۹.
۲	از زبان فتحعلی شاه به دیگری	به ولیعهد عباس میرزا نامه ۱۸، به امپراتور روس نامه ۱۹ و ۲۱
۳	از زبان ولیعهد عباس میرزا به دیگری	به امیرنظام نامه ۴۱ و ۴۲، به قائم مقام بزرگ نامه ۵۰ و ۴۹ به سلطان روم نامه ۶۲.

#### تقسیم‌بندی انواع نامه‌های قائم مقام از نظر درون‌مایه

ردیف	نوع نامه	محتوای نامه
۱	نامه‌های سیاسی و دیوانی (سلطانیات)	نامه‌هایی است به رؤسای کشورها و شخصیت‌های نامدار سیاسی زمان و معنا در قالب عبارات ساده و کوتاه همراه با اهداف سیاسی ریخته شده است.
۲	نامه‌هایی به صاحب منصبان کم‌سواد	مکاتباتی که به صاحب منصبان بی‌سواد یا کم‌سواد نوشته است.
۳	نامه‌هایی به خانواده (اخوئیات)	نامه‌هایی خواندنی که به اقوام و خویشان نوشته است.
۴	نامه‌هایی به اهل قلم	به دانشمندان زمان که با خود قائم مقام در شئون مختلف نظامی و نثری لاف همسری و برابری می‌زدند. <sup>۱</sup>

#### ۵- بحث و تحلیل داده‌های پژوهش

نامه شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی که در ردیف نامه‌های سیاسی و دیوانی قرار می‌گیرد، از زبان فتحعلی شاه به نیکولای اول، تزار روس نوشته شده است. موضوع نامه «عذرخواهی و

درخواست بخشش به سبب واقعه ی قتل گریبایدوف و ارائه پیشنهاد صلح به مخاطب و پرهیز دادن وی از انتقام جویی و بروز جنگ است. این نامه در پیشگیری از حمله روس به ایران و ایجاد جنگ و خونریزی و انتقام جویی بر اثر قتل گریبایدوف بسیار مؤثر بود و منجر به مصالحه میان دو دولت شد به طوری که نیکلای اول از تعقیب قضیه صرف نظر کرد و برای نشان دادن حسن نیت خود، نیم میلیون تومان از بقیه بدهی دولت ایران را، بابت غرامت جنگ بخشید. در این نامه، نوع فعالیت عملی موضوعات سیاسی و اجتماعی مربوط به جنگ ایران و روس و وقایع داخلی ایران بویژه عهدنامه ترکمانچای و قتل گریبایدوف (۱۷۹۵-۱۸۲۹م) سفیر دولت روس است و زمینه گفتمان، پدید آمدن اختلال در روابط سیاسی میان ایران و روس به واسطه قتل گریبایدوف، به دست ایرانیان و وقوع شرایط نابسامان سیاسی و تیرگی روابط میان ایران و روس است. الکساندر گریبایدوف در جنگ ایران و روسیه (۱۸۰۴-۱۸۱۳ م) نمایندگی مذاکرات صلح را بر عهده داشت و در ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ عهدنامه ترکمانچای را با نمایندگان وقت ایران امضا نمود. وی در حساس ترین سال های تاریخ ایران در دوره ی قاجاریان در مذاکرات صلح ترکمانچای و نگارش این عهدنامه نقشی اساسی ایفا کرد. مدت کوتاهی پس از عقد آن، گریبایدوف به عنوان وزیرمختار روسیه به ایران آمد. او با ایرانیان با ستمگری و درشت خویی رفتار می کرد و از قتل و غارت ترسی نداشت. تعدادی از زنان گرجی را که در منازل رجال ایرانی مسلمان شده بودند طبق ماده ی ۱۳ عهدنامه ترکمانچای، اسیر تلقی کرد و درخواست استرداد آنان را نمود. در پی رفتارهای او عده ای از مردم ایران که از عهدنامه ترکمانچای خشمگین بودند به تحریک میرزا مسیح مجتهد در ۱۱ فوریه ۱۸۲۹ (۲۲ بهمن ۱۲۰۷) به سفارت روسیه حمله کردند و در این حمله، گریبایدوف کشته شد.

این نامه برای رفع کدورت و پرهیز دادن دولت روس از انتقام جویی و پیشگیری از بروز جنگ میان دو کشور نوشته شده بود. فرستنده نامه فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۳-۱۱۵۰ خورشیدی) که قایم مقام، نامه را از زبان او می نویسد و گیرنده، نیکلای اول، تزار روس است. طرز بیان و شیوه ی آرایش متن و گفتمان در مجرای ارتباطی، نوشتاری و از نوع نامه ای است که قایم مقام از سوی فتحعلی شاه نوشته است. نوع رابطه میان افراد دخیل در گفت و گو از نوع ارتباط از مقام پایین به مقام بالا و خواهش گری و عذرخواهی فتحعلی شاه از تزار روس

بررسی نام‌ی شماره‌ی ۲۱ منشآت قائم مقام فرغانی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌کرایبی هلیدی ۳۲۵۱۱۱

به واسطهٔ اعزام هیأتی به سرپرستی عباس میرزا ولیعهد ایران و نیت گوینده در حوزه‌ی نقش بینافردی زبان، ترغیبی است.

با قتل گریبایدوف، ایران و روسیه در آستانه‌ی جنگ دیگری قرار گرفتند که با اعزام هیأتی عالی‌رتبه شامل خسرو میرزا (فرزند عباس میرزا) و محمدخان زنگنه امیرنظام به مسکو با در دست داشتن نامه‌ی عذرخواهی فتحعلی‌شاه (به قلم قایم مقام) برای نیکلای اول، کار به مصالحه انجامید و میرزا مسیح به تقاضای دولت روس به عتبات تبعید شد. فتحعلی‌شاه به خون‌بهای گریبایدوف، الماس بزرگ ۸۸ قیراطی معروف به «الماس شاه» که نادرشاه هنگام فتح هندوستان به دست آورده بود را به دست نوه‌اش خسرو میرزا تقدیم تزار روس نمود. مخاطب نامه نیکلای اول است که در سال ۱۸۲۵ جانشین برادرش، الکساندر اول شد و با استبداد کامل سلطنت کرد. جنگ ایران و روس که به عهدنامه‌ی ترکمانچای انجامید در زمان وی صورت گرفت. خسرو میرزا، برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف با همراه داشتن این نامه به حضورش رفت و تزار به او گفت که حادثه‌ی شوم تهران را به دست فراموشی ابدی می‌سپارد؛ یک کرور از بدهی غرامت را نیز به او بخشید.

متن نام‌ی شماره‌ی ۲۱ با توجه به جهت‌گیری به سوی مخاطب، از ساختاری ترغیبی برخوردار است و مؤلفه‌های نمود این نقش در ساختار آن به وضوح قابل مشاهده است. طبق نقش اندیشگانی، هر پیام زبانی شامل رویدادی است که با حضور عناصری اتفاق می‌افتد و شرایطی نیز بر این رویداد حاکم است. هلیدی رویداد را «فرایند» و افراد و شرایط دخیل در آن را «مشارک» می‌نامد. در سطح فرانش اندیشگانی «بسامد بالای افعال کنشی و وصفی» و در سطح فرانش بینافردی «میزان قطعیت بالای کلام»، بارزترین نشانه‌های نقش ترغیبی زبان هستند. «کاربرد قیود تأکید»، «جملات خبری»، «انواع روش‌های تکرار»، «مؤکد کردن جملات»، «جمع بستن مسند و مسندالیه»، «بسامد بالای حصر و قصر و استثناء»، «جملات شرطی» و «ذکر ضمیر فاعلی همراه با فعل» از مهمترین این نشانه‌ها هستند.

«میزان بسامد فرایندهای مادی و رابطه‌ای» در یک متن می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در نمود نشانه‌های نقش ترغیبی زبان مطرح باشد؛ به این معنا که گوینده/نویسنده گاهی با استفاده از «فرایندهای مادی»، کنش‌های مورد نظر را به مخاطب ابلاغ می‌کند و او را

به همراه ساختن با اندیشه خود ترغیب می‌نماید. گاه نیز از طریق کاربرد پرسامد «افعال ربطی» و بیان ویژگی‌های یک اندیشه، به شیوه توصیفی مخاطب را با خود همراه می‌سازد. «میزان عناصر قطعیت» در یک متن نیز از دیگر نشانه‌های نقش ترغیبی زبان در متن هستند. زمانی که گوینده / نویسنده با استفاده از این ابزار «ابهام» را در کلام خود از بین ببرد، مخاطب به همراهی و تأیید بیشتر وی ترغیب می‌شود.

### انواع فرایندهای زبانی و نقش‌های معنایی در بافت متنی نامه شماره ۲۱

ردیف	نوع فرایند	مشارکان	نقش‌های معنایی	مصادر فعلی
۱	مادی	خداوند	کشگر	آرام ساختن / ارسال کردن بازآوردن / ابلاغ کردن
		رسولان	کشگر	رفع کردن / برآوردن
		ما / فتحعلی شاه	کشگر	منقش داشتن / شستن روانه ساختن
۲	رابطه‌ای	خداوند	حامل / شناسا	سزاوار بودن
		ما / فتحعلی شاه	حامل	تأسف داشتن / تأثر داشتن خجل بودن / ناچار بودن
		پادشاه و الاجاه	حامل / شناسا	قادر بودن / ساری بودن مصون بودن / انباز طارم گردون بودن
		میرزا گریبایدوف	حامل / شناسا	رسول بودن / مهمان بودن ارجمند بودن / عزیز بودن
		تقدیر / حادثه	حامل	خلاف اندیشه بودن بی خبر بودن /
		امیرزاده خسرو میرزا	حامل	معتمد بودن

گوینده در جمله‌های آغازین براساس باورهای دینی، به پیامبران الهی اشاره دارد که امین اویند و از جانب او وحشت انسان‌ها را برطرف می‌کنند همچنین رسالت پیامبران الهی برای رفع اشتباهات انسان‌ها مورد نظر نویسنده است. در قالب این جمله، ایدئولوژی و زمینه‌ی



بررسی نام‌ی شماره‌ی ۲۱ نشست قائم مقام فراوانی براساس کارکرد تجربی زبان در روکرد نقش‌گرایی‌علیدی ۳۲۷۱۱۱

فرهنگی نویسنده و باور به وجود خداوندی که رسولان و کتاب‌های آسمانی را فرستاده تا از این طریق ضمیر پریشان انسان را آرامش و کارهای نابسامان را سامان بخشد و اشتباهات را برطرف کند، پدیدار می‌شود. نویسنده به ستایش خدا و سپاس او می‌پردازد که در حقیقت نمودی است از زمینه‌ی گفتاری او با برخورداری از پس‌زمینه‌ای گسترده‌تر به معنای زمینه‌ی فرهنگی سرچشمه می‌گیرد؛ نویسنده در برابر تزار روس که فردی مسیحی است به بازنمایی تجربه خود پرداخته است. واژه‌گزینی و هم‌ارزی آوایی نوعی رمزگذاری فرهنگی است.

استفاده از ساخت‌های وجه اخباری یکی از عناصر مهم در جهت بخشیدن قطعیت به کلام نویسنده و تأثیر بیشتر بر مخاطب هستند. زمانی که گوینده به وقوع فعل یقین داشته باشد یا سخنش را قطعی مطرح سازد، فعل از وجه اخباری است. بسامد بالای «وجه اخباری» در ساختار متنی این نامه از نمودهای نقش ترغیبی زبان است.

با توجه به اینکه قائم مقام هدفی «اجتماعی» را دنبال می‌کند، در وهله نخست فرایندهای «رابطه‌ای» بسامد بیشتری دارند؛ زیرا فضای حاکم بر این نامه‌ها فضای توصیفی، روایی و گزارشی است. این نوع فرایندها، فضای متن را ملموس و واقعی جلوه می‌دهند و باعث می‌شوند مسائل مطرح شده برای خواننده و مخاطب باورپذیر شود. علاوه بر این «فرایندهای رابطه‌ای» امکانی را فراهم می‌کنند که گوینده/ نویسنده یا شاعر محتوای کلام خود را با جزئیات بیشتری در اختیار مخاطب قرار دهد و از این طریق وی را با خود و اندیشه خود همراه سازد. قایم مقام فراهانی از طریق کاربرد فرایندهای رابطه‌ای میان پدیده‌های انسانی و غیرانسانی ارتباط برقرار کرده و با نسبت دادن ویژگی‌های متعدد، فضای توصیفی و روایی را در نامه خود برجسته کرده‌اند. یکی دیگر از شگردهای وی برای دورساختن فضای نامه اجتماعی از درون‌گرایی و انتزاعی بودن، کاربرد «فرایندهای مادی» است؛ افعال مادی به واسطه حرکت و نیروی برانگیزاننده‌ای که در خود دارند عامل مؤثری به منظور جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه برای تغییر و تحول‌اند. بسامد قابل توجه «افعال مادی» بطور کامل در راستای اهداف اجتماعی این نویسنده به کار رفته‌اند. موضوعی که حکایت از ارتباط «کنش‌پذیری و نقش‌پذیری» شخصیت‌های مطرح شده در متن نامه دارد. این نوع شیوه کاربرد فرایندها نشان از این دارد که دیدگاه این نویسنده نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی، دیدگاهی «واقع‌بینانه» است. قرار گرفتن فرایندهای مادی در کنار فرایندهای رابطه‌ای فضای نامه وی را تنوع بخشیده

و توجه مخاطب را از فضای «توصیف به عمل» و از حالت «کنشی به توصیفی» فراهم می‌سازد. علاوه بر این قرار گرفتن فرایندهای رابطه‌ای در کنار فرایندهای مادی باعث می‌شود فضای نامه از سکون و یکنواختی عاری شده و پویایی و تحرک جایگزین آن گردد. این ویژگی‌ها به خوبی نشان می‌دهد که قایم مقام به صورت کاملاً تعمّدی از افعال «ذهنی» به صورت محدودی بهره گرفته است تا مخاطب از فضای اجتماعی / سیاسی وی فاصله نگیرد.

## ۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی عهد قائم مقام و طبقه‌بندی‌های اجتماعی نسبت به جایگاه نویسنده و گیرنده، نامه شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فراهانی از مقام پایین (فروتر) نسبت به مقام بالا (برتر) تنظیم شده است. در این نامه از میان نقش‌های ارتباطی زبان، نقش ترغیبی غالب شده و نویسنده از سازوکارهای زبانی مختلف برای بیان ایدئولوژی و دیدگاه خود استفاده کرده است. در چهارچوب فرانش اندیشگانی، فرایندهای مادی و رابطه‌ای ابزار اصلی این نویسنده در جهت بیان منظور خود هستند و افعال کنشی و وصفی نسبت به افعال ذهنی و گفتاری بیشتری میزان بسامد را دارند. ترکیب افعال کنشی و وصفی باعث ایجاد اختلاف مرتبه‌گویی و مخاطب در گفتمان شده و فضایی ملموس و قابل درک را در گفتمان ایجاد کرده است. این نویسنده از کاربرد افعال ذهنی و انتزاعی پرهیز کرده و از ساز و کارهایی بهره گرفته که مخاطب را ترغیب و تشویق به همراهی و مساعدت کند. با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد در جهان‌بینی این نویسنده، دیدگاه دینی نمود بیشتری دارد و جملات نخستین نامه حاکی از دیدگاه دینی نویسنده است. بررسی کارکرد تجربی زبان در منشآت قائم مقام فراهانی نشان می‌دهد که در کلام وی، فرایندهای رابطه‌ای فرایندهای غالب هستند و نویسنده از این فرایندها با اهداف مختلفی برای انتقال اندیشه خود بهره گرفته است. کاربرد گسترده فرایندهای رابطه‌ای از یک سو ناشی از هدف توصیفی این نویسنده است؛ زیرا هر بیش از هر چیز سعی در به تصویر کشیدن اوضاع اجتماعی عصر خود داشته و از طریق این فرایندها فضای حاکم بر عصر خود را به مخاطب شناسانده است. توجه به جزئیات و توصیف دقیق آن برای مخاطب یکی از ویژگی‌های اصلی بافت متنی این نامه است. فرایندهای رابطه‌ای امکانی را فراهم می‌کنند که نویسنده یا شاعر جزئیات بیشتری را در اختیار مخاطب قرار دهد و به این ترتیب وی را با خود و اندیشه خود همراه سازد. فرایندهای مادی در مرتبه بعد بیشترین میزان

بررسی نامری شماره ۲۱ منشآت قائم مقام فرانانی براساس کارکرد تجربی زبان در رویکرد نقش‌کرایی هلیدی ۲۲۹۱۱۱

بسامد را دارند. قایم مقام در قالب این فرایندها، کنشگران مختلفی را در عرصه اجتماع معرفی و بازنمایی کرده است. افراد سیاسی «حاکمان» سرآمد این کنشگران هستند و مردم نیز در طبقات اجتماعی مختلف کنش‌های مختلفی را انجام می‌دهند. با توجه به اینکه این نویسنده سعی در توجه به دنیای بیرون دارد، فرایندهای ذهنی بسامد بسیار محدودی دارد و این امر نشان می‌دهد که قائم مقام به اجتماع عصر خود به منزله پدیده‌ای مادی و ملموس نگریسته و آن را با امور ملموس مورد بازنمایی قرار داده است.

### منابع

- ایشانی، طاهره و برزگری، زینب (۱۳۹۸)، بررسی سنجشی مضمون و سبک در حکایات و حکمت‌های گلستان و بهارستان بر اساس کارکرد تجربی فرانش اندیشگانی، علم زبان، سال ۶، ش ۱۰: صص ۳۲۵ - ۳۵۶.
- ایشانی، طاهره و نظیف، نرگس (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، ش ۲۵: صص ۱۱۶ - ۹۱.
- بهار، محمد تقی (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر، چاپ ۱۲.
- پنی کوک، الستر (۱۳۷۸). گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر، ترجمه‌ی سید علی‌اصغر سلطانی، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره‌ی ۴، صص ۱۵۷-۱۱۸.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۵). انواع نثر فارسی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). سبک‌شناسی نثر، چاپ سوم، تهران، نشر میترا.
- فراهانی، ابوالقاسم قائم مقام (۱۳۹۹). منشآت، به کوشش سید صدرالدین یغمایی، تهران: نگاه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه‌ی فاطمه شایسته پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مک دائل، دایان و نوذری، حسین‌علی (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر نظریات گفتمان پایان‌دهه‌ی ۱۹۶۰، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۹۳)، به سوی زبان‌شناسی شعر رهیافتی نقش‌گرا، تهران: آگاه.
- هلیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن، مترجم مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: نشر علمی.
- ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه‌ی پیروز ایزدی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.

۲. «سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که به واسطه‌ی ارسال رسل و ابلاغ کتب بر وفق رفیق و سیاق و فاق دل‌های ریمیده را آرمیده ساخت و امور پریشان را به جمعیت باز آورد و درود نامعدود نیز بر روان رسولان راست کار و امینان حضرت کردگار که از جانب قدس رفیع و حشت از عالم انس کنند و خاطره‌های آگاه را از خطرات اشتباه برآورند. و بعد بر آیینی‌ی ضمیر آفتاب نظیر پادشاه‌الاجاه، مظفر سپاه، ممالک پناه، برادر معظم مکرم، نیکخوی نیکخواه، برگزیده‌ی حضرت الله، واسطه‌ی عقد مودت و مصافات، امپراتور تمامی ممالک روس و مضافات که رأی صائب زرینش بر خیر و شر قادر است و حکم متینش در بحر و بر ساری و سایر، ملک واسع فسیحش از هر جهت مصون و مأمون- و تخت عالی رفیعش انباز طارم گردون مرتسم و منقش می‌داریم که نامه‌ی مهر علامه‌ی دوستانه‌ی پادشاهانه که مصحوب ایلچی مختار آن دولت در خوش‌ترین اوقات زیب انجمن وصول گشت و مژده‌ی سلامتی وجود آن دوست یگانه و ظهور محبت‌ها و مودت‌های برادرانه خاطر آرزومند را خرم و خورسند ساخت و چون مدتی بود که مقتضیات قدر و قضا در میان مقصود و دل‌ها حایل بود و راه آمد و شد رسل و رسایل از حوادث زمان و شوائب دوران مسدود وصول نامه‌ی مزبور و حصول اتحاد تازه و ارتباط بی‌اندازه، چندان موجب شادی و کامرانی گردید که زمانه، حسد بُرد و ستاره، چشم بد زد و پایان آن‌همه شیرینی و شادکامی و عشرت به تلخی‌های اندیشه و حیرت رسید. چراکه میرزا گریبایدوف از جانب آن دولت بهیه پایه سفارت و رسالت داشت و مهمان عزیز ارجمند این دولت بود به این سبب پاس اعزاز و اکرام او را چندان می‌داشتیم و حفظ و حراست او را آن قدر لازم می‌شمردیم که نسبت به هیچ رسول و سفیر آن قدر سلوک و رفتار نشده بود غافل از اینکه اقتضای تقدیر برخلاف اندیشه و تدبیر است و حادثه چنانکه تذکر خاطر آن مهر مظاهر ما را به غایت منقبض و ملول می‌سازد و ناگاه بی‌خبر روی خواهد داد بر عالم السرایر واضح و ظاهر است که از این غائله‌ی ناگزیر تا چه حد تأسف و تأثر داشتیم و هیچ راه تسلی و تسکین نمی‌جویم جز اینکه حُسن مُدرک و صفای وجدان آن پادشاه‌الاجاه، صیقل غبار اشتباه است و البته دریافت کرده‌اند که حدود این گونه امور از مردم هوشمند و دانا دور است. چه جای آن که العیاذ بالله امثال این شبهه در حق ارکان دولت‌های قویم و اعیان مملکت‌های عظیم برود و آنگاه با وصف آن تجدیدعهد که مابین دو دولت جاوید مهد شده بود و آن همه خوشوقتی و شادمانی که از این دوستی و مهربانی داشتیم بلی هر چند مبدأ و منشأ این حادثه جز مشاجره‌ی چند نفر کسان ایلچی با چند نفر اوباش بازاری نبود و نوعی اتفاق افتاد که مجال هیچ چاره و تدبیر نشد ولیکن علی‌ای وجه کان، ارکان این دولت را از نواب آن اعلی‌حضرت نوع خجالتی هست که غبار آن را جز به آب معذرت‌خواهی نمی‌توان شست. و برای انجام این کار و شستن این غبار هیچ تدبیر خوش‌تر از این به نظر نیامد که فرزند گرامی خود- امیرزاده خسرو میرزا- را با عالیجاه مقرب الخاقان- امیر مختار عسکر نظام ما- محمدخان- که از معتمدان دربار این دولت است به حضرت آن پادشاه معظم و برادر مکرم مفخم روانه‌سازیم به تحریر این معذرت‌نامه‌ی راستی ختامه پردازیم. دیگر اختیار رد و قبول موقوف به اقتضای رأی مُلک آرای آن دولت بزرگوار است.

بیا که نوبت صلح است و دوستی و عنایت به شرط آن که نگوییم از آنچه رفت حکایت»